

مکان‌های مقدس و تأثیر باور عامیانه مسیحیان نسبت به آن‌ها در حملات صلیبی

احمد بادکوبه هزاوه^۱، لیلا خسروی^۲، عبدالله ناصری طاهری^۳

(دریافت مقاله: ۹۶/۰۳/۰۸ - پذیرش نهایی: ۹۶/۰۵/۱۰)

چکیده

جنگ‌های صلیبی که میان پیروان دو ملت ابراهیمی یعنی اسلام و مسیحیت روی داد، به سبب گستره زمانی (۱۰۹۶-۱۲۹۱م) و مکانی (سرزمین‌هایی از سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا)، و تأثیرات گسترده بر دو طرف جنگ، تا امروز، دارای جایگاه مهمی برای مسلمانان و مسیحیان است. یکی از موضوع‌های مهم، تأثیر «باورهای دینی عامیانه» در این جنگ‌ها است. اعتقاد مسیحیان نسبت به آثار معجزه‌آسای «مکان‌های مقدس» (مانند آمزش و شفا)، از باورهای مهم عامیانه در این زمینه است. یکی از انگیزه‌های مسیحیان برای حمله به سرزمین‌های اسلامی، اشتیاق آن‌ها برای زیارت مکان‌هایی بود که به باور آنان در «مرکز جهان» قرار داشت و یادآور حکایت‌های کتاب مقدس و جان‌فشانی مسیح و قدیسان بود، ولی به توسط مسلمانان تسخیر شده و مورد بی‌حرمتی قرار گرفته بود. بی‌شک اگر جنگ‌های صلیبی در نقطه دیگری روی می‌داد، نه انگیزه‌ای برای تحمل سختی‌های این سفر طاقت‌فرسای جنگی وجود داشت و نه برای تداوم آن. اشاره پاپ در شورای کلرمون هم به سبب آگاهی از این جایگاه بوده است. در این مقاله به تأثیر باورهای عامیانه مسیحیان به این مکان‌های مقدس، در جنگ‌های صلیبی پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: باور دینی عامیانه، بیت‌المقدس، جنگ صلیبی، مسیح، مکان‌های مقدس.

-
۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی. دانشگاه تهران؛ Email: hazaveh@ut.ac.ir
 ۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی. دانشگاه تهران؛ Email: mlk.tehrani@gmail.com
 ۳. استادیار دانشگاه الزهراء؛ Email: naseri_na@yahoo.com

The "Holy Places" and the Impact of Popular Christians Belief in Them, on Crusades

Ahmad Badkoubeh Hazaveh¹, Leila Khosravi², Abd-allah Naseri Taheri³

(Received: 29 May 2017 - Accepted: 1 August 2017)

Abstract

One of religious wars is *Crusade*, that occurred between followers of the two abrahamic religions: Islam and Christianity; and It is important because of the time span (1096-1291M) and location (territories from three continents of Asia, Europe, and Africa), and its widespread impacts, which have continued to now. The influence of popular beliefs of the Christians on the *crusades* is one of the most important issues. Among these beliefs, the Christians belief in the miraculous works of the "Holy Places", (such as forgiveness and healing) was very important. One of the main motives *crusades* was the desire Christians to visit sacred places that were believed to be the center of the world. They remembered Bible stories and sacrifices of saints by seeing the holy places, but at the same time those were conquered by the Muslims and were held in unfaithfulness. If this war was touched elsewhere, there would be no incentive to endure the hardships of this war journey, not the motive for its continuation. The pope's mention in the Clermont Council was also due to the awareness of this place.

Keywords: popular religious beliefs, crusades, holy places, Christ

1. Associated Professor, University of Tehran, hazaveh@ut.ac.ir.
2. PhD student, University of Tehran, mlk.tehrani@gmail.com.
3. Assistant Professor, Alzahra University, naseri_na@yahoo.com.

مقدمه

باورهای دینی عامیانه در جامعه اروپا در سده‌های میانی

زندگی دینی مردم در اروپای غربی متأثر از اعتقادات و آیین‌هایی مبتنی بر سحر و جادو و افسانه‌های قدیمی بود. دین نیز در نزد آن‌ها آمیزه‌ای از مفاهیم پیچیده دینی، خواب‌ها، مکاشفات، پیشگویی‌ها، خرافات، پرستش طبیعت و احترام به قدیسان بود. گاه نیز مردان کلیسا برای فریب مردم، معجزه‌هایی ابداع یا تفاسیر و تأویلی بر پدیده‌ها ارائه می‌کردند که بسیاری از آن‌ها با باور آخرالزمانی مسیحیان درهم تنیده شده بود. شوالیه‌ها و اشراف وابسته به نظام فئودالی، درک درستی از دین نداشتند و دین، به معنی تملک آثار مقدّس، یا تقدیم کفّاره گناه بود که آسان‌تر از پایبندی به فضیلت بود. در این دوره، واعظان دوره‌گرد، آتش تعصّب بر ضد پیروان دیگر ادیان را برمی‌افروختند. مبلغان کلیسا نیز با نیرنگ‌های تبلیغاتی، مدارک جعلی و رواج حکایت‌هایی از رؤیاهای مقدّس، درصد اغوای مردم بودند (قاسم، مبانی فکری...، ۳۷، ۸۲-۱۰۱). بی‌سوادى برخی کشیشان، بر شدت این امر می‌افزود (اسمیت، ۱۹۸). دینداری عامیانه مسیحیان، ریشه در ادیان و فرهنگ‌های غیرمسیحی، مسیحیت بیزانسی، جنبش معنوی کلونی و باورهای بندیکت‌ها و فرانسیسکن‌ها داشت. این نوع دینداری به‌شدت وابسته به نام عیسی (ع) و قدیسان و آیین‌هایی چون شبیه‌سازی تولد و تصلیب مسیح بود (گالیلی، ۱۵۳-۱۵۴). به باور برخی، این امر باعث تعمیق مفاهیم مسیحیت شد و دین را محرک اصلی تفکر و عواطف مردم ساخت (عاشور، ۱۰۱). باورهای عامیانه درباره مکان‌های مقدّس، نه تنها شور زیارت را برمی‌انگیخت، بلکه شنیدن اخبار درباره توهین مسلمانان به این مکان‌ها نیز، مسیحیان را برمی‌آشفته (William Archbishop of Tyre, 1/81, 359). از دیدگاه روانکاو آلمانی، /ریک فروم (۱۹۰۰-۱۹۸۰م)، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های آن دوره را می‌توان از مردمی شناخت که آن‌ها را به وجود آوردند و بدان‌ها اعتقاد داشتند (فروم، ۲۶۰). مسیحیانی که به فرمان پاپ راهی بیت‌المقدس شدند، در طول راه، مدام از سوی کشیشان وعظ می‌شدند و از طریق خواب‌های مکاشفه‌ای، پیام مسیح را درمی‌یافتند؛ ولی رؤیای بسیاری از زائران، پس از مشاهده شن‌زارهای شرق، بر باد رفت و انگیزه‌های ایدئولوژیکی، معجزات و رؤیاهای صادق، جای خود را به امور دنیوی داد؛ به‌ویژه در میان رهبران صلیبی که در پی کسب موقعیتی در شرق بودند. این رؤیاهای معمولاً توسط "فقرای سپاه" مشاهده می‌شد (قاسم، مبانی فکری...، ۱۵۲-۱۵۳) که در مسیحیت عامیانه، همواره کانون حضور خداوند بودند (گالیلی، ۱۵۷). در مسیر تقریباً

بی‌دردسر صلیبیان تا قسطنطنیه، خبری از مکاشفات نبود (همان، ۱۵۹)؛ ولی به محض بروز خطر، رهبران صلیبی با یادآوری آرمان‌ها و با وسوسه کسب غنیمت، به صلیبیان روحیه می‌دادند (همان، ۱۶۸)؛ مانند نامه بوهوموند به فیروز ارمنی (آنا کومنا، فصل ۳۶۰/۱۱؛ جنگ اول صلیبی، تاریخ فرنگیان و...، ۲۵۰؛ ابن‌قلانسی، ۲۲۱/۲؛ ابن‌اثیر، ۲۷۷/۱۰). به اعتراف یکی از کشیشان، صلیبیان در وقت ناامیدی، به اعتراف، تضرع و دعا می‌پرداختند (فوشیه الشارتری، ۴۹). به‌این ترتیب، پاپ‌ها و سران صلیبی، هرگاه شور صلیبی فروکش می‌کرد، بحث مکاشفات و ارتباط با خداوند و حضور ارواح قدیسان را در جنگ رواج می‌دادند (ریموند آگیلی، ۳۹۹-۴۰۰؛ قاسم، سیمای جنگجوی صلیبی...، ۱۵۰). در آن عصر آنچه مهم بود حفظ ظواهر دین بود نه پیروی از مسیح (همو، مبانی فکری...، ۱۵۷). در هر حال، تأثیری که باورهای عامیانه نسبت به مکان‌ها و زمان‌های مقدس و دیگر مقدسات، در برافروختن جنگ صلیبی داشت، کم‌تر از تأثیر آموزه‌های «جنگ مقدس» و «زیارت» نبود.

پیشینه پژوهش

درباره دین عامیانه (در برابر دین رسمی یا دین روحانیان)، آثار متعددی به نگارش درآمده که برخی از آن‌ها به فارسی برگردان شده است. از جمله می‌توان به مقاله‌هایی از رافائل پاتای (مجاری و استاد دانشگاه‌های آمریکا)، زگوندو گالیلی (کشیش اهل شیلی) و چارلز لانگ (استاد دانشگاه شیکاگو و از همکاران الیاده)، اشاره کرد. میرچا الیاده نیز در آثار خویش درباره بسیاری از مقدسات، و احساس دینی مردم نسبت به آن‌ها سخن گفته است. از سوی دیگر، بسیاری از مورخان جنگ صلیبی، مانند رانسیمان (۱۹۰۳-۲۰۰۰م) و قاسم (زاده ۱۹۴۲م) اشاره‌هایی به تأثیر این باورهای دینی عامیانه مسیحیان (بیش‌تر از منظر تاریخی نه الهیاتی) در دوره جنگ صلیبی دارند. با مقایسه این آگاهی‌ها و با استناد به دست‌نوشته‌ها و سفرنامه‌های زائران صلیبی و مورخان هم‌عصر با جنگ صلیبی، مطالب درخوری به دست می‌آید که موجی ظهور دیدگاه‌های تازه‌ای را درباره «جنگ دینی» می‌شود.

باور مسیحیان به مکان‌های مقدس

یکی از ویژگی‌های جوامع سنتی، تقابل میان قلمرو خود و فضای اطراف است. افراد در این جوامع، دنیای دیگران را دنیایی می‌دانند بیگانه، با ساکنانی از ارواح و شیاطین؛

در حالی که دنیای خود را محل ظهور واقعیت مقدس می‌دانند (الیاده، متون مقدس...، ۲۴۹). از این‌رو، دنیای باورهای آن‌ها مملوّ از قداست‌هاست. از این جمله قداست مکان‌ها است که مانند هر امر قدسی دیگر، حقیقتی الهی دارد (نصر، ۲۸۸) و دارای قدوسیت و فیضان مقدسی است که موجب جدایی از قلمرو کیهانی اطراف می‌شود و تنها، نشانه‌ای برای اشاره به قداست آن کفایت می‌کند (Eliade, 26-27). مکان مقدس سه ویژگی دارد: ۱. محل ارتباط با امر الوهی؛ ۲. محل تجلی نیروهای الوهی؛ ۳. محلی که عالم را بدان تشبیه کنند (همان، ۱۲۸).

مسیحیان نیز مکان‌های مقدس را متجانس با دیگر مکان‌ها نمی‌دانستند و می‌کوشیدند در مکان‌های مقدس و در کنار اشیای مقدس زندگی کنند. مانند سن ژروم^۱ (۳۴۷-۴۲۰م) که از سال ۳۸۶م تا زمان مرگ، ساکن بیت‌لحم شد یا بوچارد فرانسوی که از سال ۱۲۳۲م، تا پایان عمر در دیر کوه صهیون در بیت‌المقدس سکونت گزید (عوض، ۳۰). گویی همه انسان‌های مذهبی در جست‌وجوی محلی برای زندگی هستند که به مرکز جهان، نزدیک باشد (Eliade, 43) و نزد مسیحیان، «بیت‌المقدس» مرکز جهان بود. ژروم به‌رغم عدم اعتقاد به ارزش معنوی اقامت در بیت‌المقدس، نمازگزاردن در قدم‌گاه مسیح را نشانه ایمان شمرده؛ برخلاف آوگوستین (۳۵۴-۴۳۰م) که کلاً زیارت را کاری عبث و خطرناک دانست. روحانیان یونانی، با آوگوستین هم‌عقیده بودند؛ ولی عوام، عقیده ژروم را می‌پسندیدند. با تشویق اولیای امور و ساخت مهمان‌سرا و دیرهای ویژه زائران، به تدریج آرام‌گاه مسیح و قدیسان، به زیارتگاه تبدیل شد؛ به‌ویژه آن‌که روحانیان، زیارت این آرامگاه‌ها را مایه کرامات و آمرزش گناه دانستند. یکی از دلایل عمده زیارت، نیاز مردم به تمامی چیزهای مقدّس بود. این مسئله جنبه عاطفی زیارت بود که با زیارت آثار قدیسان از نزدیک، گرایش‌های خوب و عواطف دینی و احساسات حماسی انسان برانگیخته می‌شد (قاسم، *الخلفیه الایدیولوجیه* ...، ۳۱-۳۴؛ دجانی، ۸۸-۹۲؛ سیتون، ۳۸-۴۸؛ Runciman, 1/38-41). البته در عهد جدید برخلاف عهد قدیم، سخن از اشخاص مقدس است نه مکان مقدس و اشخاص مقدس نیز چون وقف خدا شده‌اند، مقدّس‌اند. بنابراین سخن از قداست مکان، سخن از قداست کسی است که آن‌جا را متبرک ساخته و واژه «مقدس» مفهومی الهیاتی دارد نه اخلاقی (مک‌گراث، ۷۶۴/۲). البته به تدریج پس از ساخت کلیسای قیامت و باز شدن راه زیارت و

1. Jerome

شکل‌گیری باورهای جدید درباره شخص مسیح و تأثیر زیارت، ایمان به «مکان مقدس» شکل تازه‌ای یافت.

مسیحیت ریشه در شرق داشت و مسیح از زمان تجسد تا عروج، در بیت‌لحم و ناصره و بیت‌المقدس و اطراف آن ساکن بود. حواریان و قدیسان و شهدا همه در همین شهرها زندگی و تبلیغ کردند؛ بنابراین زیارت این مکان‌ها برای مؤمنان به این دین در غرب، آرزویی بزرگ بود که به‌سختی برآورده می‌شد. از طرفی این مکان‌های مقدس تحت حاکمیت حکومت‌های مختلف بود و این امر بر مشکلات زیارت (بعد مسافت، صرف هزینه و زمان بسیار) می‌افزود. از سده سوم به بعد، مسیحیان به عشق زیارت کلیسای آرامگاه مقدس، سختی‌های بسیار کشیدند. آنان به محض دیدن اماکن مقدس به سجده می‌افتادند و آنچه‌ان می‌گریستند که حتی مسلمانان نیز متأثر می‌شدند (دانیال، ۲۰۱؛ William Archbishop of Tyre, 1/373-374؛ بورتشارد، ۱۴۲-۱۴۳). بسیاری از زیارتگاه‌های آن‌ها، محل نگهداری آثار مقدس بود (کاردینی، ۱۵۳-۱۵۴) و مسیحیان تاب شنیدن بی‌حرمتی به آن‌ها را از سوی حاکمان مسلمان سرزمین‌های مقدس نداشتند. تخریب کلیساها، آزار زائران بیت‌المقدس و مسیحیان شرق، از جمله اخباری بود که کم‌وبیش به آن‌ها می‌رسید. سخنان پاپ اوربان دوم درباره بی‌حرمتی به اماکن مقدس و آزار زائران، در واقع جرقه‌ای بود بر خرمن احساسات دینی مسیحیان، به‌گونه‌ای که حاضر شدند همه سختی‌های راه را تحمل کنند و برای آزادسازی مکانی که در آن مسیح به دنیا آمد، مصلوب شد و به آسمان عروج کرد، از بذل جان و مال خود دریغ نورزند (نک: ارنول، ۹۹-۱۰۰؛ دان، ۹۷؛ Gibbon, vol.X, chap.LVII/385؛ دوران، ۲۲۵۹؛ مایر، ۱۷-۱۸؛ Jotischky, 7/50-52). تقریباً همه مورخان و زائران مسیحی دوران حملات صلیبی با اتکا به کتاب مقدس و به منظور برانگیختن عشق به مسیح در میان پیروان، به وصف مکان‌های مقدس، پرداخته‌اند (تئودریک، ۳۲۸)؛ عشقی که انگیزه حرکت آن‌ها به سوی بیت‌المقدس و کوشش برای آزادسازی آن از دست مسلمانان شد. آن‌ها بسته‌شدن راه زیارت سرزمین مقدس یا پر مخاطره شدن این راه را به مثابه بسته شدن راه توبه و آمرزش می‌دانستند و از این رو آزادسازی قدس برایشان اهمیت بسیار داشت (نک: Riley-Smith, 10؛ Runciman, 1/44؛ مایر، ۱۶-۱۷).

شهر بیت‌المقدس

بیت‌المقدس که مورد توجه پیروان ادیان ابراهیمی و محلّ نشستن کشتی نوح (ع)^۱ و دارای اهمیتی نمادین و روحانی بود، به باور مسیحیان، در مرکز عالم و در قلّه کوه کیهانی قرار دارد (اشعیا، ۲: ۲؛ ژان‌ورزبورگی، ۲۴؛ جاک‌دی‌فیتیری، ۱۲۹؛ الیاده، رساله در تاریخ ادیان، ۱۰۷، ۳۵۴؛ کاردینی، ۱۷۳؛ کونگ، ۳۲۸؛ لوئیس، ۷۴؛ ویلسون، ۲۵). بنیان‌گذار شهر، سام‌بن‌نوح (ملک‌صادق) بود که به اعتبار تقدیم قربانی بر روی صخره، پیش از ساخت معبد هم مقدس بود و پس از پادشاهی داوود، در اعیاد سالانه عده زیادی برای زیارت به آن‌جا می‌آمدند (پیدایش، ۱۴: ۱۸؛ فیتیلوس، ۵۳۱؛ ژان‌ورزبورگی، ۱۶؛ علیمی، ۷۲/۱؛ ویلسون، ۲۴). این شهر را سالم، یبوس، بیت‌ئیل، صهیون، شهر داوود و سلیمان، اورشلیم، یوروسلوما، آثلیا و بیت‌المقدس خوانده‌اند (پیدایش، ۱۰: ۶، ۱۵-۱۹؛ مقدسی، ابوعبدالله، ۳۰؛ فیتیلوس، ۵۳۱؛ ژان‌ورزبورگی، ۲۴؛ William Archbishop of Tyre, 1/340-345؛ بیدالمزیف، ۴۳؛ جاک‌دی‌فیتیری، ۱۶۲-۱۶۳؛ یعقوب‌الفیتیری، ۷۷؛ قاسم، الخلفیه الایدیولوجیه...، ۳۱-۳۳؛ هاکس، ۱۱۸-۱۳۴؛ Runciman, I/38-39). این شهر سال‌ها در دست یونانی‌ها، اشکانی‌ها، رومی‌ها، ساسانیان و مسلمانان (امویان، عباسیان، فاطمیان، سلجوقیان) بود تا سرانجام به دست صلیبی‌ها افتاد (ژان‌ورزبورگی، ۲۶؛ William Archbishop of Tyre, 1/341؛ جاک‌دی‌فیتیری، ۱۶۳؛ ابن‌کثیر، ۱۶۳/۱؛ ۲۸۰/۸؛ قاسم، الخلفیه الایدیولوجیه...، ۳۱-۳۳؛ Runciman, I/38-39). صلیبیان اجازه ندادند کسی با کفش یا بی‌شستن پا وارد شهر شود یا در مناطق مقدس آن ساکن شود؛ زیرا شهر را محل گام‌های مسیح و تقدیس فرشتگان می‌دانستند. صلیبیان پس از فتح قدس، با پای برهنه و جامه نو، فروتنانه و گریان، صلیب به دست، به همراه کشیشان، بر اماکن مقدس به‌ویژه کلیسای قیامت بوسه زدند، به گناهانشان اعتراف کردند و صدقه دادند (ریموند آگیلی، ۴۰۴، ۴۱۱، ۴۲۴؛ William Archbishop of Tyre, 1/345, 373-374؛ جاک‌دی‌فیتیری، ۱۶۲). آن‌ها این شهر را «شهر مقدس و محبوب خداوند» و «شهر پروردگار حیّ» نامیدند. شهر طلا و سنگ‌های قیمتی که در آن مسیح، اشک‌ها را پاک می‌کند (William Archbishop of Tyre, 1/39)؛ اولفر آوف بادربون، فصل ۸۵/۵۲؛ بردج، ۴۱). البته این شهر برای مسیحیان شرق (برخلاف لاتینی‌ها) جایگاه ویژه‌ای نداشت (کاهن، ۶۵؛ کونگ، ۴۰۰). در درون این شهر، مکان‌ها مقدس زیادی وجود داشت که

۱. بنیامین، محل نشستن کشتی را جزیره ابن‌عمر دانست (بنیامین تودلایی، ۴۸۱).

کلیسای آرامگاه مقدس مهم‌ترین آن بود. در منابع اسلامی هم نام این مکان‌های مقدس ذکر شده است (مقدسی، ابو عبدالله، ۱۵۱؛ مقدسی، مطهرین طاهر، ۸۷/۴-۸۹؛ عمادالدین الاصفهانی، ۶۹-۷۱).

کلیسای آرامگاه مقدس^۱

این کلیسا که در دامنه کوه صهیون، واقع است، مقدس‌ترین مکان نزد مسیحیان است که هر ساله در عید پاک، برای زیارت بدان جا روند و آن را «قدس‌الاقداص» نامند. این کلیسا و دیگر اماکن مقدس شهر، به‌توسط سراسقف مکسیموس و با کمک کنستانتین و مادرش، در سده چهارم میلادی احداث شد (سیولف، ۲۳۴؛ دانیال، ۲۰۲-۲۰۳، ۲۰۷؛ ابن‌قلانسی، ۱۰۸-۱۱۱؛ William Archbishop of Tyre, 1/34؛ تئودریک، ۲۷۹؛ یعقوب الفیتری، ۷۸؛ کاردینی، ۱۵۱). در این کلیسا، مجسمه آدم (ع) با سنگ بزرگی مشخص شده که صلیب در شکاف آن است. مسیحیان، این کلیسا را مرکز جهان می‌دانند (دانیال، ۲۰۳؛ بیدالمزیف، ۱۱، ۲۳؛ Eliade, 40). گویند مسلمانان به دلیل اخذ جزیه از زائران، حرمت این کلیسا را نگه می‌داشتند (Otto Bishop of Freising, 7/405). یکی از علل اصلی حملات صلیبی را آسیبی می‌دانند که به قداست این کلیسا وارد شد. در سال ۱۰۰۹م، خلیفه فاطمی، الحاکم (۹۹۶-۱۰۲۰م) دستور تخریب این کلیسا و دیگر کلیساها و دیرها را صادر کرد. این فاجعه چنان سخت بود که مؤلف «زندگی‌نامه لازاروس»، مأموران تخریب را پلید و سگ خواند (Jotischky, 7/35, 44-45, 47, 50). مسلمانان، این واقعه را از اقدامات نادر و موارد استثنائی در دوره فاطمیان می‌دانند (عمران، ۱۸). مورخان مسلمان، عوامل زیر را در بیان سبب اقدام خلیفه فاطمی برشمرده‌اند: ناپایداری روانی الحاکم (ابن‌العبری، ۱۸۰؛ نویری، ۳۳/۴؛ ابن‌خلدون، ۷۶/۴-۷۷؛ مقریزی، ۷۵/۲، ۹۴، ۱۱۷-۱۲۳ و ۳۴۵/۳)؛ تنفر او از مسیحیان (گیبون، ۱۱۸۲/۳-۱۱۸۳)، اثبات مسلمانی خود و عدم تأثیرپذیری‌اش از اجداد مسیحی‌اش، یافتن جواهرات پنهان در دیوارهای کلیسا (Jotischky, 7/28, 30-31, 45)، مشاهده گروه‌های عظیم زائران (در فص ۳۹۸ق) و شنیدن جزئیات مراسم آتش مقدس و شرح ثروت این کلیسا (ابن‌قلانسی، ۱۰۸-۱۱۱)، شباهت شعائر مسیحیان به بت‌پرستان و جاسوسی آن‌ها برای روم شرقی (جمال‌الدین کاشانی، ۹۰-۹۱؛ العارف، ۲۲۶)، نفوذ بسیار مسیحیان

1. The Church of the Holy Sepulchre

در حکومت و تخریب جوامع مسلمانان توسط روم. البته در صلحنامه ۱۰۲۷م، میان الظاهر (۱۰۲۰-۱۰۳۵م) با امپراتور کنستانتین هشتم (۹۶۰-۱۰۲۸م) اجازه بازسازی این کلیسا داده شد (زیدان، ۴/۴۱۲-۴۱۳؛ عمران، ۱۸). به سبب این که بیشتر مسلمانان بیت‌المقدس سنی بودند و فرمانبردار خوبی برای الحاکم شیعی نبودند و نیز ضررهای اقتصادی‌ای که از بسته شدن راه زائران مسیحی به شهر وارد می‌شد، تخریب ناقص صورت گرفت؛ با این‌همه، براساس حفاری‌های باستان‌شناسان، تخریب، بسیار گسترده بود. کار بازسازی کلیسا توسط امپراتور کنستانتین نهم مونوماخوس (ح ۱۰۰۰-۱۰۵۵م) شروع شد و در اواخر سده یازدهم میلادی پایان یافت (کاردینی، ۱۵۷-۱۵۸). ناصر خسرو که در سال ۱۰۴۷م از این کلیسا دیدن کرد، از شکوه و زیبایی آن سخن گفته است (ناصر خسرو، ۶۸-۶۹). در سال ۱۱۸۷م که به صلاح‌الدین پیشنهاد تخریب این کلیسا داده شد، او علاوه بر مخالفت، تعداد محافظان کلیسا را بیش‌تر کرد (حریری، ۸۳؛ عارف، ۲۸۴). خوارزمشاهیان (به تعبیر متئو پاریسی، کافران و وحشیان نگون‌بخت) پس از حمله به سرزمین مقدس، ستون‌های این کلیسا را به نشانه پیروزی، به آرامگاه پیامبر(ص) منتقل ساختند. آن‌ها به کلیسای بیت‌لحم و آرامگاه مریم مقدس تعرض کردند، درحالی‌که هم‌کیشان آنان همواره حرمت این اماکن را حفظ می‌کردند (متی - پاریس، ۶۵۸-۶۶۱). گویی به دلیل پیمان‌های منعقد شده میان امرای مسیحی با ایوبیان دمشق، ایوبیان قاهره با استخدام ۱۰ هزار جنگجوی خوارزمی در ۱۲۴۴م، به بیت‌المقدس یورش برده و اماکن مقدس را تخریب کردند و موجب ورود لوئی نهم به جنگ شدند (کاردینی، ۱۷۵-۱۷۶). برخی از شاهان مانند بالدوین اول (۵۰۸ق)، پس از مرگ در این کلیسا دفن شدند (عمادالدین الاصفهانی، ص ۶۳-۶۸؛ حریری، ۷۵). به این ترتیب، یکی از بزرگ‌ترین اهداف معنوی زائران صلیبی، زیارت این کلیسا و رهایی آن از دست غیرمسیحیان بود. چون پیش از این، بسیاری از مسیحیان، هر ساله، برای زیارت این کلیسا، راهی شرق می‌شدند و آموزش گناهان و شفای بیمارانشان را طلب می‌کردند. به نوشته بورتشارد (۱۴۱)، هر زائری که بدان‌جا پا نهد (برای هر چندبار که باشد) با عقل و نگاه خالصانه خویش، منجی را پیچیده در کفن می‌بیند که تخته‌سنگ قبرش کناری رفته و فرشتگان آن‌جا نشسته‌اند.

معبد پروردگار

این معبد در صخره موریاء واقع است. بنا به کتاب مقدس، داود(ع) پس از طلب بخشش

از خدا، به فرمان فرشته‌ای که بر روی صخره نشسته بود، نذر کرد معبدی برای خدا بسازد؛ ولی پسرش موفق به ساخت آن شد (دوم سموئیل، ۲۴: ۱-۲۵؛ اول تواریخ، ۲۱: ۱-۳۰؛ ابن سعد، ۱۵/۴؛ ژان ورزبورگی، ۲۴؛ بیدالمزیف، ۷۱). سلیمان، ۳۱۰۲ سال پس از آدم و ۱۴۰۰ سال پس از توفان نوح، معبد (بیت‌ئیل) را بنا کرد و تابوت عهد را در آنجا نهاد (یعقوبی، ۵۹/۱، ۶۸؛ سیولف، ۲۳۷-۲۳۹؛ فیتیلوس، ۵۳۲؛ هاکس، ۱۲۱)؛ به روایتی، گذاردن تابوت، توسط ارمیا یا یوشع صورت گرفت (کتابهایی از عهد عتیق، کتاب دوم مکابیان، ۲: ۴-۷؛ فیتیلوس، ۵۲۱؛ جاک‌دی‌فیتیری، ۱۷۲/۶۲). معبد، محل آفریده شدن آدم^۱، قربان‌گاه پسر ابراهیم، محل دیدن فرشتگان توسط یعقوب^۲، محل نگهداری صحف و قبر موسی، مکان بشارت فرزنددار شدن زکریا و عبادت‌گاه مریم مقدس، محل ختان عیسی هشت‌روزه، محل استراحت مسیح و قدمگاه او یا به روایتی قدمگاه یعقوب، مقتل زکریای نبی و آغاز قیامت است (فوشیه‌الشارتری، ۷۲؛ سیولف، ۲۳۴، ۲۳۷-۲۳۹؛ دانیال، ۲۰۲-۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۸؛ ژان ورزبورگی، ۲۷-۲۹؛ William Archbishop of Tyre, 1/34؛ بیدالمزیف، ۳۲؛ ابن‌الجوزی، ۲۳؛ یعقوب‌الفیتیری، ۸۱؛ جاک‌دی‌فیتیری، ۱۷۳؛ ارنول، ۱۱۴-۱۱۵؛ کونگ، ۳۹۹-۴۰۰). مسیحیان این صخره را «قدس الاقداس» خوانند. آنجا محل نیایش پطرس و یوحنا، و شفای مفلوجی توسط پطرس و صومعه سن‌جیمز (نخستین اسقف بیت‌المقدس) است (سیولف، ۲۳۶-۲۳۷؛ بیدالمزیف، ۳۲؛ تئودریک، ۲۹۴). شرق معبد، جای پای مرکب مسیح است که در عید پَسَح، سوار بر آن وارد شهر شد (دانیال، ۲۰۸؛ بیدالمزیف، ۳۲؛ ارنول، ۱۱۴-۱۱۵). هراکلیوس نیز پس از پیروزی بر ایرانیان، صلیب صلبوت^۳ (صلیب حقیقی) را از در طلایی شرق معبد، وارد شهر کرد (سیولف، ۲۳۹). پس از ورود صلیبیان به شهر (۱۰۹۹م) و در زمان بازسازی آن توسط صلاح‌الدین (۱۱۸۷م)، کشیشان به فروش تکه‌هایی از صخره با قیمت طلا می‌پرداختند که به باور آن‌ها محل عروج مسیح بود (ابن‌خلدون، ۳۶۲/۵؛ Licence, 4/45-46). مسلمانان هم، شاید به سبب ساخت آن به عنوان عبادتگاه (در ۶۸۷م) و در رقابت با کلیسای قیامت، حرمت معبد را نگه می‌داشتند و هنگام ورود به معبد، کفش‌هایشان را درآورده و این مکان را «صخره مقدس» می‌نامیدند و معتقد بودند نباید

۱. به روایتی الخلیل بوده (مارینو سانودو، ۱۰).

۲. برخی این روایت را درست نمی‌دانند (ژان ورزبورگی، ۲۹).

۳. صلیب صلبوت به باور مسیحیان، همان صلیبی است که مسیح را بر آن به دار کشیدند.

آن را لمس کرد. به اعتقاد زائری مسیحی، مسیح به برکت این صخره، مسلمانان را هم مورد لطف خویش قرار می‌داد (فوشیه‌الشارتری، ۷۲-۷۳؛ جاک‌دی‌فیتری، ف ۱۷۲/۶۲؛ لودولف، ۳۵۱؛ ابن‌کثیر، ۲۸۰/۸؛ ۱۶۵/۹؛ دمیری، ۱۰۰/۱؛ لوئیس، ۷۴).

دیگر اماکن مقدس در بیت‌المقدس

معبد سلیمان. ساخته شده به‌دست سلیمان(ع) و به گزارشی به دست یعقوب(ع) یا داود(ع)، اتاق مسیح و مریم، مرکز اصلی سواران معبد و نماد آن‌ها، مسجدالاقصای مسلمانان (بلاذری، ۲۵۶/۱؛ سیولف، ۲۴۰؛ ذهبی، ۲۶/۴۱؛ ابن‌کثیر، ۱۶۳/۱؛ ۲۶/۲؛ Licence, 4/45-46).

کلیسای شاریتون مقدس. در مقابل کلیسای قیامت، محل استقرار راهبان سریانی، مزار شاریتون و حدود ۷۰۰ تن از پیروان شهیدش، مزار ۱۲ پیامبر و چند قدیس، تخریب توسط مسلمانان در سال‌های ۸۰۸-۸۰۹، ۸۱۳ م (دانیال، ۲۳۶-۲۳۷؛ ژان‌ورزبورگی، ۵۴، ۶۰-۶۱؛ Jotischky, 7/17-18).

کلیسای جیمز مقدس. سمت چپ آرامگاه مقدس، متعلق به یعقوبی‌ها، محل شهادت جیمز برادر یوحنا انجیلی، بازسازی توسط صلیبی‌ها در سده ۱۲م (آرنول، ۹۱، ۹۳، ۹۷؛ مارینو سانودو، ۱۹۴؛ پراور، ۶۶-۶۷).

کلیسای خون مقدس(آدم). سمت راست آرامگاه مقدس، در کوه جل‌جتا (جلجوئا، آکرا، جمجمه، دومینوس ویدیت، کالواری) محل دفن آدم (به‌روایتی) و تقدیم قربانی توسط ابراهیم، محل تصلیب مسیح و ریخته شدن خورش بر کاسه سر آدم، محل یافتن صلیب، میخ‌ها، چکش و تاج خار مسیح توسط هیلانه، محل نگهداری زنجیرهای بسته‌شده به دست‌وپای مسیح، محل اعدام محکومان، محل افکندن صلیب زائران مسیحی به نشانه وفای به نذر که در شب عید پاک توسط نگهبانان سوزانده می‌شد. در آن‌جا، با طلا بر روی دیوار نوشته شده بود: «این مکان با خون مسیح، پاک و مقدس شده است». زائران در آن‌جا، با یادآوری وقایع دوران مسیح، متأثر می‌شدند (سیولف، ۲۳۳؛ ژان‌ورزبورگی، ۴۰، ۴۵؛ William Archbishop of Tyre, 1/343-344؛ بیدالمزیف، ۱۴، ۱۵، ۳۱، ۷۷؛ تئودریک، ۲۸۶، ۲۸۸-۲۸۹؛ یعقوب‌الفیتری، ۷۸-۷۹؛ آرنول، ۹۴-۹۵، ۱۱۲-۱۱۳).

کلیسای مریم مقدس. در کوه جلجتا، محل پایین آوردن پیکر مسیح از بالای صلیب و گریستن مریم مقدس، با تصویری غم‌انگیز از مریم مقدس و مریم مجدلیّه بر

روی دیوار خارجی کلیسا، نزدیک منزل یحیی (سیولف، ۲۳۴، ۲۳۵؛ ژانورزبورگی، ۵۱-۵۰؛ بیدالمزیف، ۱۲، ۱۵).

کلیسای حنه مقدس. زادگاه مریم مقدس و بهروایتی آرامگاه ایشان، محل شفای افلیجی توسط مسیح، و جایگاه راهبه‌های سیاه‌پوست (سیولف، ۲۳۴، ۲۴۰؛ دانیال، ۲۰۸؛ بیدالمزیف، ۱۳، ۱۷؛ جاک‌دی‌فیتری، ۱۶۶؛ ارنول، ۹۰، ۱۰۷؛ لودولف، ۳۵۳-۳۵۴).

کلیسای منجی. در دره قدرون بین دو کوه صهیون و زیتون، مکان نمازگزاردن و نیایش مسیح و محل خواب حواریان در باغ جتسیمانی (مرقس، ۱۴؛ ۳۳-۳۷؛ سیولف، ۲۴۰؛ ژانورزبورگی، ۳۸؛ ارنول، ۱۱۶؛ هاکس، ۲۸۰-۲۸۱).

باغ خون (مزرعه خون یا مقبره شیر). در دره دو کوه زیتون و صهیون، محل شهادت اشعیا، خریداری شده توسط یهودا به قیمت خون مسیح (۳۰ سکه نقره)، و محل دفن زائران، در نزدیکی مرقد شمعون و یوسف (نامزد مریم مقدس)، محل برکه سلوان (برکه آلمانی یا سلطان) به‌عنوان معجزه مسیح، و مقبره مریم مقدس پیش از عروج، افسانه‌ای هم درباره این مکان نقل شده است (سیولف، ۲۴۱؛ دانیال، ۲۲۷؛ ژانورزبورگی، ۳۷، ۵۰، ۵۷-۵۸؛ بیدالمزیف، ۱۲، ۲۷، ۲۹؛ بنیامین تودلایی، ۴۷۵؛ بورتشارد، ۲۱۱، ۲۱۲؛ ارنول، ۱۰۲؛ لودولف، ۳۶۳-۳۶۵).

کلیسای پطرس مقدس (بانگ خروس). در دامنه کوه صهیون، محل توبه پطرس پس از انکار مسیح و محل رهایی او از بند. به کمک فرشتگان (لوقا، ۲۲؛ ۵۴-۶۲؛ اعمال رسولان، ۱۲؛ ۱-۱۱؛ سیولف، ۲۴۳؛ ژانورزبورگی، ۳۹، ۵۲؛ بیدالمزیف، ۱۷).

کوه صهیون و کلیسای روح‌القدس. کوهی در جنوب بیت‌المقدس. این کوه را «کوه بلند خدا» و کلیسایش را نخستین کلیسای جهان دانند، مزار داود(ع)، و استفان مقدس و ۴۰ قدیس، محل شستن پای حواریان توسط مسیح و تناول شام آخر، محل مشاهده روح‌القدس توسط حواریان در روز عید گلریزان، محل اعلام بشارت آمدن یوئیل توسط پطرس، محل درگذشت مریم‌مقدس، و سکونتگاه یوحنا انجیلی. پاپ گریگوری، بناهای صهیون را از سنگ بناهای ایمان شمرد (مزامیر، ۴۸؛ ۱-۳؛ سیولف، ۲۴۲؛ دانیال، ۲۰۰، ۲۲۶؛ ژانورزبورگی، ۳۶؛ Archbishop of Tyre, 1/350 & 2/122 William؛ بیدالمزیف، ۱۴، ۱۶، ۲۷، ۲۹؛ بنیامین تودلایی، ۴۷۵؛ بورتشارد، ۲۱۵؛ یعقوب‌الفیتری، ۷۹، ۸۰؛ متی باریس، ۱۲۷؛ لودولف، ۳۶۲).

کلیسای ایلعازر. در روستای بیت‌عنیا (بیثانی)، مقبره ایلعازر که به معجزه مسیح از

میان مردگان برخاست و مورد احترام مسلمانان بود. در نزدیکی آن، صومعه‌ای با قفل طلایی بود که دروازه آن، به یمن ورود مسیح به معبد، و ورود هراکلیوس به همراه صلیب مقدس، تنها در روز یکشنبه نخل‌ریزان و عید بزرگداشت صلیب (۱۴ سپتامبر) گشوده می‌شد (دانیال، ۲۱۰-۲۱۱؛ بیدالمزیف، ۱۲؛ تئودریک، ۳۰۰؛ بورتشارد، ۲۰۱، ۲۱۲).

کلیسای صلیب مقدس. در مجاورت منزل زکریا و الیزابت، زادگاه یحیی، مکان رویدن درخت صلیب. بنای کلیسا از سنگی تراشیده توسط سلیمان ساخته شد و علامت صلیب بر آن نقش بست. در نزدیکی آن، صومعه سابای مقدس (یکی از ۷۲ حواری مسیح) با بیش از ۳۰۰ راهب و کشیش ارمنی است (سیولف، ۲۴۳؛ ژان‌ورزبورگی، ۵۱؛ تئودریک، ۳۱۶).

بیت‌لحم و کلیسای مریم مقدس. بیت‌لحم، در جنوب بیت‌المقدس و مجاور دریاچه طبریه، با نام‌های طبریه یا ناصره (از این‌رو مسیحیان را نصارا گویند) قرار دارد (قزوینی، ۲۷۷). محل کلیسای مریم مقدس (مهد) که سرداب آن، زادگاه مسیح و تجسد کلمه است. گاه آغل آن توسط مادر کنستانتین به کلیسای مهد بخشیده شد. بیت‌لحم به خانه نان هم تفسیر شده، زیرا پس از تولد مسیح، نان واقعی از آسمان فروبارید. این‌جا، زادگاه مریم مقدس، محل بشارت حمل مسیح، مزار ارمیا، ژروم، و دو بانوی راهب معاصر او: پولا^۱ (۳۴۷-۴۰۴م) و دخترش ایستوکیوم^۲ (۳۶۸-۴۱۹م) است. گویند کلیسایی مقدس‌تر از آن نیست. بر سقف کلیسا، نماد ستاره‌ای درخشان، اشاره به حکایت سه مجوس و ستاره دارد. میز مرمر آن، محل تقدیم هدایای مجوسان به مریم مقدس است. کلیسای مهد، چنان جایگاه مقدسی داشت که شاهان صلیبی در آن تاجگذاری می‌کردند؛ مانند تاجگذاری بالدوین اول (در عید میلاد مسیح در ۱۱۰۱م). در انتهای ناصره، در کلیسای جبرئیل، چاه مقدسی است که مسیح در زمان طفولیت از آن برای مادرش آب می‌کشید. یک حلقه چاه نیز در گوشه کلیساست که گویند ستاره مجوسان یا کبوتر مریم مقدس در آن افتاده است. در راه بیت‌لحم، مزار راحیل و کلیسای الیاس است (فوشیه‌الشارتری، ۱۱۱؛ سیولف، ۲۴۲-۲۴۴، ۲۴۶؛ دانیال، ۲۲۸، ۲۶۰، ۲۶۲؛ فیتیلوس، ۵۰۹، ۵۳۰؛ ژان‌ورزبورگی، ۱۶، ۵۹-۶۱؛ William Archbishop

۱. پولای مقدس (St. Paula): راهبه‌ای والامقام، متولد رم، همسر یک سناتور، سفر به بیت‌لحم به همراه دخترش و سن‌ژروم، آشنا به زبان عبری و یونانی، مراسم گرامیداشت او ۲۶ ژوئیه (عوض، ۳۰-۳۱).
 ۲. ایستوکیوم مقدس (St. Eustochium): متولد رم، سفر به بیت‌لحم به همراه مادر، آشنا به زبان یونانی و عبری و کتاب مقدس، معلم بیوه زنان مسیحی، مراسم گرامیداشت او ۲۸ سپتامبر (عوض، ۳۱).

of Tyre, 1/427-428: بیدالمزیف، ۱۳، ۱۹، ۴۴، ۶۹؛ تئودریک، ۳۱۲؛ بورتشارد، ۱۷۹، ۲۲۵؛ جاک‌دی‌فیتری، ۱۶۷؛ ارنول، ۱۱۷).

الخلیل. در نزدیکی بیت‌المقدس، با نام‌های: اربعه (به‌دلیل دفن چهار پیامبر در آن)، قریه ثمانیه، حبرون، الخلیل (به‌دلیل مزار ابراهیم(ع) در آن) و عبرون، الخلیل محل سرشتن گل آدم، مزار آدم (به اعتقاد آوگوستین) و حوا، تقدیم قربانی توسط هابیل و قائن (قابیل)، قتل‌گاه هابیل، محل گریستن آدم بر مرگ پسر، قدمگاه ابراهیم(ع)، محل درخت بلوطی که ابراهیم(ع) در زیر آن، سه فرشته را دید، سجده‌گاه ابراهیم(ع) بر تثلیث مقدس (به ادعای مسیحیان)، مزار لوط(ع) (در دو مایلی آن) و شش تن از خاندان ابراهیم: اسحاق(ع)، یعقوب(ع)، و یوسف(ع) (که به روایتی مزار یوسف، در شکیم یا نابلس است) و همسرانشان: ساره، ربکا و لیه، و ایزابل مقدس، محل حکومت هفت‌ساله داود(ع) پیش از تصرف بیت‌المقدس، زادگاه یحیی معمدان و منزل زکریا است. به نوشته لودلف، این کلیسا نزد مسلمانان هم قداست خاصی داشت، ولی آن‌ها در زمان سلطه خود بر شهر، به مسیحیان اجازه ورود به کلیسا را نمی‌دادند و مسیحیان، ناچار در کنار درب ورودی نماز می‌گذارند (پیدایش، ۱۸: ۱-۹؛ ۲۲-۳۳؛ ۱۹: ۱-۲۶؛ فوشیه‌الشارتری، ۱۰۸؛ سیولف، ۲۳۴، ۲۴۵-۲۴۶؛ دانیال، ۲۳۲، ۲۳۴-۲۳۵؛ فیتیلوس، ۵۱۲؛ ژان‌ورزبورگی، ۴۱، ۶۴، ۶۵؛ William Archbishop of Tyre, 1/340, 427؛ بیدالمزیف، ۱۹، ۳۴-۳۵، ۳۹، ۴۳، ۴۶، ۶۷؛ بنیامین تودلایی، ۴۷۶؛ یاقوت حموی، ۲۱۲/۲، ۳۸۷؛ بورتشارد، ۲۲۸؛ جاک‌دی‌فیتری، ۱۶۵؛ ارنول، ۱۱۷؛ قزوینی، ۱۸۸؛ لودولف، ۳۴۵).

کوه تابور. کوه تابور واقع در جلیل، در جنوب شرقی ناصره و جنوب غربی دریاچه طبریه، محل ملاقات مسیح با موسی(ع) و الیاس(ع) در حضور پطرس و یوحنا و یعقوب، مکان تجلی (تغییر قیافه مسیح و نورانی شدن ایشان)، محل ساخت سه صومعه (سایبان) به نام مسیح، موسی و الیاس به پیشنهاد پطرس و اذن مسیح، محل ملاقات ابراهیم(ع) با کاهن ملک‌یصدق است. برخی، این کوه را همان «کوه زیتون»، محل معراج مسیح و مزار یک قدیسه دانند (سیولف، ۲۴۱؛ دانیال، ۲۱۵؛ تئودریک، ۳۰۷)؛ که صلیب‌بان به آن کوه «طور» یا «نور» می‌گفتند. این کوه غیر از کوه طور سیناست که محل مشاهده درخت سوخته (علیقه) توسط موسی(ع) و سخن گفتن خداوند با او و بخشیدن شریعت به او و محل دیری باشکوه با بیش از ۴۰۰ راهب یونانی، گرجی و عرب، و مزار قدیسه کاترین است (متی، ۱۷: ۱-۹؛ سیولف، ۲۴۱-۲۴۲، ۲۴۶-۲۴۷؛ دانیال، ۲۵۷؛

فیتیلوس، ۵۱۷؛ ژان ورزبورگی، ۶۶؛ جاک‌دی‌فیتیری، ۱۶۱؛ ارنول، ۱۱۶-۱۱۷؛ لودولف، ۳۳۷، ۳۶۶، ۳۷۹؛ هاکس، ۲۳۸-۲۳۹، ۴۹۸-۵۰۴). احتمالاً طور هارون در جنوب بیت‌المقدس و مدفن هارون نیز غیر از طور سیناست (William Archbishop of Tyre, 1/340؛ یاقوت الحموی، ۴/۴۸).

طبریه. مکانی در کنار دریاچه طبریه، محل معجزه مسیح در کوه لوح‌الرب و دشت مائده و اطعام پنج‌هزار نفر^۱، محل زندانی شدن مسیح به دلیل نپرداختن عوارض عبور که با معجزه او، ۳۰ سکه نقره (به‌اندازه عوارض)، از شکم ماهی صید شده توسط پطرس پیدا شد، محل ظهور مسیح بر حواریان، قبر الیاس و یوشع^۲ و داود و سلیمان^۳ و دیگر پادشاهان یهود و یوحنا^۴ انجیلی، محل شفای چند تن توسط مسیح، منزل شمعون جذامی، محل توبه مریم مجدلیه، محل چاه یوسف(ع)، استراحت‌گاه مریم مقدس، مزار جورج مقدس و زیارتگاه او (آنا کومننا، فصل ۳۵۲/۱۱؛ سیولف، ۲۴۲-۲۴۳، ۲۴۷؛ دانیال، ۱۹۹-۲۰۰، ۲۵۲-۲۵۳؛ فیتیلوس، ۵۱۰؛ ژان ورزبورگی، ۳۴، ۵۴، ۷۳؛ William Archbishop of Tyre, 1/332-333؛ بورتشارد، ۱۶۵؛ ارنول، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۲۵؛ لودولف، ۳۵۵، ۳۶۷).

اریحا. در نزدیکی بیت‌المقدس، محل گذر ابراهیم(ع) و چاه الیاس(ع) که با دعای او گوارا شد، محل ساخت کلیسای میکائیل مقدس در محل ظهور میکائیل بر یوشع که به او فرمود: «کفش‌هایت را درآور؛ زیرا جایی که ایستاده‌ای مقدس است». محل وسوسه مسیح توسط ابلیس، محل معجزه مسیح (سبز شدن تنه درختی خشکیده)، محل شفای مردی نابینا توسط مسیح و منزل زکریا (یوشع، ۵؛ ۱۳-۱۵؛ دوم پادشاهان، ۲: ۱۹-۲۲؛ متی، ۴: ۱-۲؛ سیولف، ۲۴۴-۲۴۵؛ دانیال، ۲۲۰-۲۲۲؛ فیتیلوس، ۵۳۸).

رود اردن. محل تعمید مسیح که از سوی کلیسا مقدس شمرده شد. این رود معجزات بسیاری از جمله شفای بیماران داشت. در شرق آن، غار قدیس یحیی معمدان و کوهی است که ایلیا سوار بر ارابه آتش به آسمان عروج کرد (کتاب یشوع بن سیرا،

۱. سیولف (۲۴۲) به اشتباه، چهارهزار نفر دانسته که احتمالاً دو روایت را با هم خلط کرده (مرقس، ۸:

۱-۲۰؛ ۶: ۳۵-۴۴؛ متی، ۱۴: ۱۷-۲۲؛ ۳۸، ۲۴۲).

۲. بورتشارد (۱۵۶) قبر یوشع را بنا به عهد قدیم (داوران، ۲: ۷-۹) در تمنه حارس دانسته؛ در حالی که مسلمانان آن را در کوه نمور می‌دانستند. او قبر موجود در طبریه را متعلق به کنعان‌بن‌حام یا یکی از فرزندان او می‌داند.

۳. به‌روایتی دره شعفاط (بین دو کوه صهیون و زیتون) مدفن سلیمان است (بورتشارد، ۲۱۰-۲۱۱)؛ آگیلی (۴۰۵) هم قبور داود و سلیمان و قدیس استیفان را کوه صهیون دانسته است.

۴۸: ۹؛ دوم پادشاهان، ۵: ۱۴، ۲: ۸؛ یوشع، ۴: ۳؛ متی، ۳: ۹، ۱۳-۱۶؛ مرقس، ۱: ۹؛ لوقا، ۳: ۸؛ سیولف، ۲۴۵؛ دانیال، ۲۱۸؛ فیتیلوس، ۵۲۳؛ William Archbishop of Tyre, 2/27؛ بیدالمزیف، ۱۲؛ جاک‌دی‌فیتری، ۱۶۰-۱۶۱).

شهر سَبَسْطِیَه. (أوغسطه به یونانی سبستیه (سباستین)، شکیم، شیکار، سامره، نابلس، نیوپولیس، ایبلین، سامره): در نزدیکی طبریه، مزار ایلیا و عوبدیا، محل سربریدن یحیی به فرمان هیروودیس، و مملو از آثار مقدس یحیی و مرقد او، بسیاری از مورخان و یوسفوس و نویسندگان تاریخ لاهوتی متفق‌اند که یحیی در مسیر اردن، کشته شد. از سوی سامره تحت قدرت و نفوذ هیروودیس (قاتل او) یا حتی پیلاتوس نبود که بخواهد اقدام به قتل او کند؛ اما پس از کشته شدن یحیی، پیکر او به سامره منتقل و در کنار قبور پیامبران مدفون شد. از منظر بوچارد، یحیی(ع) نیز همچون مسیح و مریم مقدس، مورد احترام مسلمانان بود. سبسطیه، مقبره یوسف(ع) (به روایتی دیگر، انتقال پیکر یوسف از این‌جا به الخلیل)، محل نزول وحی الهی بر سلیمان، محل حوضی که مسیح در دوران کودکی از آن برای مادرش آب می‌برد، و محل نشستن مسیح هنگام صحبت با زن سامری در کنار چاه یعقوب است (یوشع، ۲۴: ۳۲، یوحنا، ۴: ۴-۲۶؛ سیولف، ۲۴۶؛ دانیال، ۲۴۷-۲۴۹؛ فیتیلوس، ۵۲۸، ۵۳۷؛ ژان‌ورزبورگی، ۲۲؛ William Archbishop of Tyre, 1/340؛ بیدالمزیف، ۱۴، ۳۹، ۴۴، ۶۷؛ بنیامین تودلایی، ۴۷۳؛ تتودریک، ۳۱۹؛ بورتشارد، ۱۸۷-۱۸۸؛ لودولف، ۳۷۵-۳۷۶).

کوه ارماثیم. مزار قاضی بنی‌اسرائیل، سموئیل نبی (پیش از ۱۰۰۴ ق.م) که صلیبیان پس از تسخیر رمله، استخوان‌هایش را به این‌جا منتقل کردند (دانیال، ۲۰۰؛ بنیامین تودلایی، ۴۷۷)؛ روستای رومه: بین ناصره و جلیل، محل تبدیل آب به شراب توسط مسیح (سیولف، ۲۴۷؛ ژان‌ورزبورگی، ۱۸؛ بورتشارد، ۱۷۵)؛ صفوریه: زادگاه حنه مادر مریم مقدس، مزار یونه (یونس) نبی در راه صفوریه به طبریه (ژان‌ورزبورگی، ۱۷؛ بورتشارد، ۱۷۶).

روستای عمواس. (نیکوپولیس): بین قدس و مدیترانه، محل ظهور مسیح بر حواریان پس از رستاخیزش (William Archbishop of Tyre, 1/339).

عکا. دیر الیاس (بنیامین تودلایی، ۴۷۲)

کِرِمِل. در غرب بحرالمت، پناهگاه داود پس از فرار از دست شائول، و محل معجزات ایلیا و کرامات قدیس یوحنا (جاک‌دی‌فیتری، ۱۵۷؛ آرنول، ۱۱۰؛ لودولف، ۳۱۶).

کرانتینا. محل چله‌نشینی مسیح پس از تعمیر و عبادتگاه روحانیان (جاک‌دی‌فیتری، ۱۵۷).

انطاکیه. محل معجزات پطرس و دیگر قدیسان، محل تبلیغ پولس و برنابا، اداره کلیسای آن توسط پطرس (هفت‌سال) و سپس یودیوس و شهید اگناتیوس. مسیحیان که پیش از این حواریان (یا جلیلیان) نامیده می‌شدند، در این‌جا برای نخستین بار «مسیحی» گفته شدند. صلیبی‌ها به فرمانده ترکان اعلام کرده بودند که مالکیت انطاکیه از آن مسیحیان است؛ چون پطرس مردم آن‌جا را مسیحی کرده بود (اعمال رسولان، ۱: ۱۱؛ فوشیه‌الشارتری، ۵۳-۵۴، ۶۷؛ William Archbishop of Tyre, 1/283-284، 2/187؛ بیدالمزیف، ۶۰؛ ابن‌العدیم، ۸۴/۱؛ قزوینی، ۲۰۵-۲۰۶).

اَفسوس. مقبره قدیس یوحنا که غبار تربتش شفابخش بیماران بود، غار اصحاب کهف، مزار آباء سیصدگانه، مریم مجدلیه و قدیس تیموتاوس (دانیال، ۱۹۴-۱۹۶؛ ادو دویلی، ۶۸).

قُبْرُس. مزار برنابای حواری و قدیسان دیگر (دانیال، ۱۹۸).

طَرطوس. محل احداث نخستین کلیسای مریم مقدس توسط پطرس که زائران بسیاری به امید معجزه بدان‌جا می‌رفتند (بورشارد، ۱۵۹؛ جاک‌دی‌فیتری، ۱۵۰؛ ارنول، ۱۲۱).

صور و صیدا. قبر اوریگن، و محل وقوع معجزه زنده شدن یونه نبی (یونس)، به‌دلیل اطعام الیاس نبی توسط مادر یونه (ژان‌ورزبورگی، ۶۸؛ تئودریک، ۳۲۷).

دمشق (ارام و ارفات). مقتل هابیل، مزار ایوب، محل ظهور مسیح بر پولس، محل کلیسای مریم مقدس (پیدایش، ۱۵: ۲؛ اعمال رسولان، ۹: ۳-۶؛ فیتیلوس، ۵۲۲؛ ژان‌ورزبورگی، ۶۹-۷۰؛ بیدالمزیف، ۵۸؛ ابن‌جبیر، ۲۵۵؛ تئودریک، ۳۲۶؛ لودولف، ۳۸۲).

اسکندریه. محل شهادت مرقس، قدیس کاترین و به‌روایتی یحیی (ابن‌جبیر، ۲۹۸-۲۹۹).

ادِسا (الرّها، ارفه). مزار تادیوس حواری.

دمیاط. آرامگاه سن‌توما و محل معجزات او (ابن‌جبیر، ۳۳۳؛ جاک‌دی‌فیتری، ۱۳۷).

حطین. آرامگاه شعیب و دیگر پیامبران (ابن‌شداد، ۱۲۹) که زائران صلیبی از آن یاد نکرده‌اند؛ شاید به‌سبب خاطره بدی که از شکست خود از صلاح‌الدین (۱۱۸۷م) در حطین داشتند.

نتیجه

سده‌های میانی همزمان با اوج باورهای عامیانه دینی بود که یکی از آن‌ها، باور مردم نسبت به تأثیرات معنوی مکان‌های مقدس و شوق زیارت آن‌ها بود. بسیاری از این مکان‌ها محل معجزات مسیح و قدیسان بود که مردم انتظار تکرار آن معجزات را داشتند. از این رو، برای شفای بیماران خود راهی شرق می‌شدند. اعلام فرارسیدن آخرالزمان از سوی مقامات کلیسا، تلقی معنای توبه از سفر زیارتی به سوی بیت‌المقدس و امید به آمرزش گناهان بزرگ، و انتشار اخبار تخریب برخی از کلیساها و بی‌حرمتی نسبت به این مکان‌های مقدس که در دست مسلمانان بود، عواطف دینی مسیحیان را تحریک می‌کرد و آنان را در تصاحب دوباره سرزمین‌های مقدس مصمم‌تر می‌ساخت.

باور مسیحیان به وجود اماکن مقدس، به‌عنوان «مرکز جهان»، انگیزه‌ای شد تا آنان راهی شرق شوند. به گمان آنان، بیت‌المقدس، محل ظهور (رستاخیز دوباره) مسیح در آخرالزمان (هزاره پس از رستاخیز اول مسیح) می‌بود.

زیارت مسیحیان ناشی از عاطفه دینی آنان بود. گریه شوق آنان در وقت رسیدن به این مکان‌ها، آن‌چنان بود که حتی مسلمانان را نیز متأثر می‌کرد. هدف آنان از وصف مکان‌های مقدس، تنها برانگیختن عشق به مسیح بود، عشقی که موجب می‌شد بر شمار زائران افزوده شود و این خواسته قلبی آنان قوت گیرد که شایسته نیست هیچ نگاه و دست ناپاکی این مکان‌های مقدس را لمس کند، پس باید این اماکن مقدس را از دست مسلمانان (از دید آنان کافران) رها می‌ساختند.

بیش‌تر مورخان و سفرنامه‌نویسان مسیحی، از اصحاب کلیسا بودند. مانند: کشیش یکی از سران صلیبی، ریمون آگیلی؛ کشیش شاه قدس، فوشیه شارتری؛ کشیش لوئی هفتم، ادو دویلی و اسقف اعظم صور، ویلیام. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ۱. در سده‌های میانه، طبقات مختلف جامعه فئودال، یا امکان خواندن و نوشتن نداشتند یا نیازی به این کار نمی‌دیدند؛ از این رو، بیش‌تر نوشته‌ها، اثر مردان کلیسا و همراه با چاشنی دینی بود؛ ۲. بیش‌تر سفرنامه‌های این دوره، مملو از آیات کتاب مقدس بود و زائران در پی زیارت مکان‌هایی بودند که در کتاب مقدس ذکرشان آمده بود و نوشته‌های آنان حکایت از خوانده‌هایشان داشت تا دیده‌هایشان. گویی کتاب مقدس در حکم «راهنمای زائران» بود، به‌همین سبب، شباهت بسیاری بین نوشته‌های آنان وجود داشت.

منابع

- ابن‌اثیر، عزالدین ابوالحسن، *الکامل*، بیروت: دارصادر - داربیروت، ۱۹۶۵م.
- ابن‌جبیر، *رحله*، بیروت: دارصادر، بی‌تا.
- ابن‌الجوزی، أبو‌الفرج، *بستان‌الواعظین و ریاض‌السامعین*، بیروت: الکتب الثقافیه، بی‌تا.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن، *دیوان‌المبتدأ والخبر*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ۱۹۸۸م.
- ابن‌سعد، محمد، *الطبقات‌الکبری*، تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰م.
- ابن‌شدّاد، بهاء‌الدین، *النوادر السلطانیه و المحاسن‌الیوسفیه*، چاپ جمال‌الدین الشیال، القاهره: مکتبه‌الخانجی، ۱۹۹۴م.
- ابن‌العبری، غریغوریوس، *تاریخ‌مختصر‌الدول*، چاپ انطون صالحانی، بیروت: دارالشرق، ۱۹۹۲م.
- ابن‌العديم، کمال‌الدین، *بغیة‌الطلب فی تاریخ حلب*، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
- ابن‌قلانسی، ابویعلی حمزه، *تاریخ‌دمشق*، چاپ سهیل زکّار، دمشق: دار حسان، ۱۹۸۳م.
- ابن‌کثیر، ابوالفداء، *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر، ۱۹۸۶م.
- ادو دوپلی، *جنگ دوم صلیبی*، به‌اهتمام عبدالله ناصری، ترجمه ستار عودی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- آنزول، رحله، در *الموسوعه‌الشامیه فی تاریخ‌الحروب‌الصلیبیه*، *رحلات‌غریبه*، (۱۱۸۷-۱۳۵۰)، ج ۳۷، تألیف و تحقیق و ترجمه سهیل زکّار، دمشق: دارالفکر، ۱۹۹۹م.
- اسمیت، مایکل اوکلند، *کلیسا در محاصره*، ترجمه سیدیبوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
- الیاده، میرچا، *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش، ۱۳۸۹.
- همو، *متون مقدس بنیادین از سراسر جهان*، برگردان مانی صالحی علامه، تهران: فراروان، ۱۳۹۳.
- آنا کومننا، *منابع یونانی جنگ‌های صلیبی: الکسیاد*، ترجمه عبدالله ناصری و سمیه طباطبایی، نوشین صاحب، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- اولفر آوف بادربون، الإستیلاء علی دمیاط، در *الموسوعه‌الشامیه فی تاریخ‌الحروب‌الصلیبیه*، *الحمله‌الصلیبیه‌الخامسه*، ج ۳۳، تألیف و تحقیق و ترجمه سهیل زکّار، دمشق: دارالفکر، ۱۹۹۸م.
- بردج، انتونی، *تاریخ‌الحروب‌الصلیبیه*، ترجمه احمد غسان سبانو و نبیل الجیروودی، دمشق: دارقتیبه، ۱۹۸۵م.
- البلاذری، احمد، *انساب‌الاشراف*، چاپ سهیل زکّار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۶م.
- بنیامین تودلای، *سفرنامه‌های صلیبی*، ترجمه عبدالله ناصری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- بورتشارد، وصف الارض المقدسه، در *الموسوعه‌الشامیه فی تاریخ‌الحروب‌الصلیبیه*، *رحلات‌غریبه*، (۱۱۸۷-۱۳۵۰)، ج ۳۷، تألیف و تحقیق و ترجمه سهیل زکّار، دمشق: دارالفکر، ۱۹۹۹م.

- بیدالمزینف، رحله، *الموسوعه الشامیه فی تاریخ الحروب الصلیبیه، رحلات غریبه، (۱۱۸۷-۱۳۵۰)*، ج ۳۷، تألیف و تحقیق و ترجمه سهیل زکار، دمشق: دارالفکر، ۱۹۹۹م.
- پراور، ژوزه، *جهان صلیبی‌ها*، ترجمه عبدالله ناصری و معصومه شمس، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
- تئودریک، *سفرنامه‌های صلیبی: توصیف سرزمین مقدس*، به‌اهتمام عبدالله ناصری طاهری، ترجمه سمیه سادات طباطبایی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- جاک‌دی‌فیتزی، المنتفی من مختصر تاریخ القدس، در *الموسوعه الشامیه فی تاریخ الحروب الصلیبیه، الحمله الصلیبیه الخامسه*، ج ۳۳، تألیف و تحقیق و ترجمه سهیل زکار، دمشق: دارالفکر، ۱۹۹۸م.
- جمال‌الدین کاشانی، ابوالقاسم، *زبده‌التواریخ*، به‌کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.
- جنگ اول صلیبی: تاریخ فرنگیان و حاجیان بیت‌المقدس*، نویسنده ناشناس، به‌اهتمام عبدالله ناصری، ترجمه ستار عودی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- حریری، احمدبن‌علی، *الإعلام و التبیین فی خروج الفرنج الملاعین علی دیار المسلمین*، چاپ سهیل زکار، دمشق: دارالملاح، ۱۹۸۱م.
- دان، جان، *گسترش اسلام*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، چاپ نخست، ۱۳۹۴.
- دانیال، *سفرنامه‌های صلیبی: سفرنامه دانیال*، به‌اهتمام عبدالله ناصری طاهری، ترجمه ندا گلیجانی مقدم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- دجانی، هدیه و دجانی، شکیل برهان، *الصراع الاسلامی - الفرنجی علی فلسطین (فی القرون الوسطی)*، بیروت: الدراسات الفلسطینیه، ۱۹۹۴م.
- دمیری، کمال‌الدین محمد، *حیاه الحیوان الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۴م.
- دورانت، ویل و آریل، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد بطحایی و همکاران، سرویراستار محمود مصاحب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ویرایش دوم، چاپ ششم، ۱۳۷۸ش.
- ذهبی، شمس‌الدین، *تاریخ‌الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق.
- ریموند آگیلی، *جنگ اول صلیبی: تاریخ جنگجویان فرنگی بیت‌المقدس*، به‌اهتمام عبدالله ناصری طاهری، ترجمه شهلا بختیاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- زیدان، جرجی، *تاریخ التمدن الاسلامی*، بیروت: دار مکتبه الحیاه، بی‌تا.
- ژان‌ورزبورگی، *سفرنامه‌های صلیبی*، ترجمه عبدالله ناصری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- سیتون، کینیث، *تاریخ الحروب الصلیبیه*، ترجمه سعیدعبدالله البیضاوی و آخرون، بی‌جا: منشورات بیت‌المقدس، ۲۰۰۴م.

- سیولف، رحله حج سیولف الی القدس، در *الموسوعه الشامیه فی تاریخ الحروب الصلیبیه الحمله الصلیبیه الثالثه*، ج ۳۱، تألیف و تحقیق و ترجمه سهیل زکّار، دمشق: دارالفکر، ۱۹۹۸م.
- العارف، عارف، *المفصل فی تاریخ القدس*، بیروت: المؤسسه العربیه، ۲۰۰۵م.
- عاشور، فاید حمّاد، *الجهاد الاسلامی ضد الصلیبیین و المغول فی العصر المملوکى*، طرابلس: جرّوس پرس، ۱۹۹۵م.
- علیمی، ابوالیمن، *الأنس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل*، عمان الخلیل: مکتبه دنیس، ۱۴۲۰ق.
- عمادالدین الاصفهانی، محمّد، *الفتح القسی فی الفتح القدسی، الموسوعه الشامیه فی تاریخ الحروب الصلیبیه، المصادر العربیه، مؤرّخو القرن السادس (۳)*، ج ۱۳، تألیف و تحقیق و ترجمه سهیل زکّار، دمشق: دارالفکر، ۱۹۹۵م.
- عمران، محمود سعید، *تاریخ الحروب الصلیبیه*، بیروت: دارالنهضه العربیه، ۱۹۹۰م.
- عوض، محمدمونس، *الرحاله الاورپیون فی مملکه بیت المقدس الصلیبیه (۱۰۹۹-۱۱۸۷م)*، القاهره: مکتبه مدبولی، ۱۹۹۲م.
- فروم، اریک، *جزم اندیشی مسیحی*، ترجمه منصور گودرزى، تهران: مروارید، ۱۳۷۸.
- فوشیه‌الشارتری، *تاریخ الحمله الی القدس*، ترجمه زیاد العسلی، عمّان: دارالشرق، ۱۹۹۰م.
- فیتیلوس، *سفرنامه‌های صلیبی: توصیف سرزمین مقدّس*، به‌اهتمام عبدالله ناصری، ترجمه سوسن فخرایی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- قاسم، قاسم‌عبده، «سیمای جنگجوی صلیبی در منابع عربی»، *فصلی از تاریخ اجتماعی جنگ‌های صلیبی*، اهتمام عبدالله ناصری طاهری و معصومه حسن‌زاده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صص ۱۳۱-۱۵۴، ۱۳۹۲.
- همو، *الخلفیه الایدیولوجیه للحروب الصلیبیه*، القاهره: دارالمعارف، ۱۹۸۳م.
- همو، *مبانی فکری و ماهیت جنگ‌های صلیبی*، ترجمه عبدالله ناصری و نرگس قندیل‌زاده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
- قزوینی، زکریا بن محمد، *آثار البلاد و اخبار العباد*، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۸م.
- کاردینی، فرانکو، *تاریخ روابط اسلام و اروپا*، ترجمه بهاء‌الدین بازرگانی‌گیلانی، تهران: علم، ۱۳۹۳.
- کاهن، کلود، *شرق و غرب در روزگار جنگ‌های صلیبی*، ترجمه عبدالله ناصری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
- کتاب مقدّس*، ترجمه قدیم با رسم‌الخط جدید، بریتانیا: ایلام، ۲۰۱۶م.
- کتابهایی از عهد عتیق (کتابهای قانون ثانی) بر اساس کتاب مقدس اورشلیم*، ترجمه پیروز سیار، تهران: نی، ۱۳۹۱.
- کونگ، هانس، *ساحت‌های معنوی ادیان جهان*، ترجمه حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷.

- گالیلی، زگوندو، «دینداری عامیانه‌ی مسیحی»، *مقدمه‌ای بر پژوهش دین عامیانه*، ترجمه ابراهیم موسی‌پور، تهران: جوانه طوس، ۱۳۹۳.
- گیبون، ادوارد، *انحطاط و سقوط امپراطوری روم*، ترجمه فرنگیس شادمان (نمازی)، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- لوئیس، برنارد، *خاورمیانه*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نی، ۱۳۸۱.
- لودولف، وصف الارض المقدسه، در *الموسوعه الشامیه فی تاریخ الحروب الصلیبیه، رحلات غریبه، (۱۱۸۷-۱۳۵۰)*، ج ۳۷، تألیف و تحقیق و ترجمه سهیل زکار، دمشق: دارالفکر، ۱۹۹۹م.
- مارینو سانودو، *پس از جنگ صلیبی: اسرار صلیبی‌های حقیقی*، ترجمه عبدالله ناصری، عزیزه رحیم‌زاده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- مایر، هانس ابرهارد، *جنگ‌های صلیبی*، برگردان عبدالحسین شاهکار، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۱.
- متی باریس، *التاریخ الکبیر، در الموسوعه الشامیه فی تاریخ الحروب الصلیبیه، التاریخ الکبیر تصنیف متی باریس (۱۲۳۵-۱۲۷۳م.)*، ج ۴۰، تألیف و تحقیق و ترجمه سهیل زکار، دمشق: دارالفکر، ۲۰۰۱م.
- مقدسی، ابو عبدالله، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، القاهره: مکتبه مدبولی، ۱۹۹۱م.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، *البدء و التاریخ*، القاهره: مکتبه الثقافه الدینیة، بی‌تا.
- مقریزی، تقی‌الدین، *تعاظ الحنفاء*، القاهره: لجنه احیاء التراث، ۱۹۹۶م.
- مک‌گراث، آلیستر، *درسنامه الهیات مسیحی*، ترجمه محمدرضا بیات و دیگران، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳.
- ناصر خسرو علوی قبادیانی، *سفرنامه ناصر خسرو (نسخه خطی)*، رقمزده خواجه محمد الطاف حسین، هند: بی‌جا، ۱۸۸۲م.
- نصر، سیدحسین، *در جست و جوی امر قدسی*، ترجمه مصطفی شهرآیینی، تهران: نی، ۱۳۸۹.
- نصری، امیر، *حکمت شمایل‌های مسیحی*، تهران: چشمه، ۱۳۸۸.
- نویری، محمد، *الالمام بالأعلام*، چاپ عزیزسوریال عطیه، هند: مطبعه مجلس دائره‌المعارف العثمانیه، ۱۹۷۰م.
- ویلسون، برایان، *دین مسیح*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز، ۱۳۹۱.
- هاکس، مستر، *قاموس کتاب مقدس*، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
- یاقوت الحموی، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
- یعقوب‌الفیتری، *تاریخ بیت‌المقدس*، ترجمه و تعلیق سعید البیشاوی، الاردن: دارالشروق، ۱۹۹۸م.
- یعقوبی، احمد، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- Eliade, *The Sacred and The Profane*, Tranclated from the French Willard R. Trask, New York :A Harvest Book, Harcourt, Brace and world, Ink, n.d.

- Gibbon, Edward, *The decline and fall of the Roman Empire*, vol.II, New York: Bennet a Cerf & Donalds Klopfer, The Modern Library, n.d.
- Jotischky, Andrew, "The Christians of Jerusalem, the Holy Sepulchre and the Origins of the First Crusade", *Crusades*, vol. 7, p. 35-58, 2008.
- Licence, Tom, "The Templars and the Hospitallers, Christ and the Saints", *Crusades*, vol. 4, p. 39-58, 2005.
- Otto Bishop of Freising, *The Two Cities*, Translated by Charles Christopher Mierow, New York: Columbia University Press, 1893.
- Runciman, Steven, *A History of the Crusades*, Cambridge University Press, 1951; USA: Printed in the United States of America, 1995.
- Riley-Smith, Jonathan, *The Crusades, Christianity, And Islam*, New York : Columbia University Press, 2008.
- William Archbishop of Tyre, *History of deeds done beyond the sea*, translated and Annotated Emily Atwater Babcock and A.C. Krey, New York: Columbia University Press, 1943.

Archive of SID

Archive of SID

Archive of SID